حسن همجواری و همزیستی اجتماعی - اخلاقی مسلمانان با زرتشتیان

فاطمه تیموری*، دکترمهناز فرهمند، ضیاء امیرمحمدی

گروه جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد

(تاریخ دریافت: 95/10/5، تاریخ پذیرش:95/12/25)

مقالهٔ پژوهشی

چکیده

زمینه: یکی از نیازهای ذاتی انسان برقراری ارتباط با دیگران است و از آنجا که انسان‌ها به‌لحاظ زبانی، قومی، نژادی، فرهنگی و... دارای تفاوت‌های عمیقی هستند، تنها راه برقراری ارتباط سالم و فارغ از ستیزه جویی، وجود مدارا و تساهل اخلاقی بین ایشان است، هدف از انجام این پژوهش بررسی میزان مدارا و اخلاق اجتماعی مسلمانان نسبت به زرتشتیان در شهر یزد می‌باشد.

روش: تحقیق حاضر کاربردی و از نوع توصیفی- همبستگی می‌باشد. جامعه آماری همه افراد16 سال به بالای ساکن شهر یزد که مسلمان هستند می‌باشد. نمونه تحقیق براساس فرمول کوکران 384 نفر برآورد شد. نمونه‌گیری پژوهش از نوع خوشه‌ای چند مرحله‌ای بود و ابزار پژوهش پرسشنامه محقق ساخته بود. به‌منظور تجزیه و تحلیل فرضیات از آزمون همبستگی پیرسون و تی تک نمونه‌ای استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که، مدارای سیاسی و اخلاقی با بعد اجتماعی رضایت از زندگی رابطه معنی‌داری دارند. درحالی‌که متغیرهای سن و جنسیت فاقد رابطه معنادار با مدارای اجتماعی هستند. همین‌طور در بعد اخلاقی نیز افراد در طبقات و منزلت بالاتر نسبت به طبقات متوسط و پایین‌تر از مدارای بیشتری برخوردارند و این اختلاف به لحاظ آماری معنی‌دار است.

نتیجه‌گیری: پاسخگویان از نظر مدارای اخلاقی و اجتماعی درسطح بالایی قرار دارند. وجود مدارا و اخلاق اجتماعی موجب افزایش همبستگی و اتحاد بین مسلمانان و زرتشتیان می‌شود که در پی آن تساهل اخلاقی و رفتار مسالمت‌آمیز بین افراد شکل می‌گیرد.

کلیدواژگان: *مدارا، اخلاق اجتماعی، روابط مسالمت‌آمیز، مسلمانان، زرتشتیان*

سرآغاز

تشابه و تفاوت، دو ارزش بزرگ انسانی به‌شمار می‌رود. تشابه به زندگی ثبات و امنیت می‌بخشد و تفاوت ماجراجویی و پیشرفت می‌بخشد، با این وجود انسان‌ها درطول زندگی روزمره خود، پیوسته در معرض تکانه حاصل از تفاوت قرار دارند(1). باید توجه داشت مادامی که افراد جامعه‌ای با یکدیگر متفاوت‌اند و اغلب دارای اعتقادات راسخی هستند، با یکدیگر اختلاف پیدا می‌کنند و اگر قرار باشد بیشتر آنها اهل مدارا نباشند، صلح اجتماعی غیرممکن خواهد شد. بنابراین در جامعه‌ای پیچیده و در حال تغییر، مدارا کردن گریزناپذیر خواهد بود. برخی صاحب‌نظران بر این نظر است که اگر گروه‌های مختلف، عقاید متعارضی در زمینه اخلاقی یا سیاسی یا مذهبی داشته باشند و هیچ بدیل و جایگزینی برای زندگی در کنار هم نیابند، تساهل و رعایت اخلاق اجتماعی[1] امری ضروری خواهد بود(2). اخلاق اجتماعی حوزه‌ای از فرهنگ عمومی یک جامعه را تشکیل می‌دهد که شامل عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی هستند، اخلاق مجموعه‌ای از اصول و قواعد رفتاری است که به گونه‌ای داوطلبانه از سوی فرد پذیرفته می‌شوند و با درونی شدن در وجود او، نوع نگرش فرد به جامعه و دیگر انسان‌ها را تعیین می‌کنند و باعث بروز رفتارهای اخلاقی می‌گردند و در صورت سرپیچی از این اصول و قواعد احساس شرمساری در وجدان فرد پدیدار می‌شود(3). به‌طورکلی اخلاقیات مسئله‌ای بنیادی در وجود هر فرد است(4). بحران اخلاقی فقط به فضای کسب و کار محدود نمی‌شود و معضل اخلاقی یکی از پدیده‌هایی است که جامعه ایرانی در یک قرن گذشته با آن مواجه بوده است که تبعات آن می‌توان به ضعف التزام اخلاقی و هنجاری در روابط اجتماعی اشاره کرد(5). اخلاق به‌صورتی در حال گسترش می‌باشد که روابط بین انسان و محیط را نیز شامل می‌شود(6). فرهنگ و اخلاق برای هر امری یک موضوع مهم تلقی می‌شود(7). با توجه به اینکه اکثر جوامع از یک سنت دینی قوی برخوردارند، یکی از عواملی که می‌تواند در نهادینه کردن سنت مدارا در

* نویسنده مسؤول؛ نشانی الکترونیکی: Roya. raha33 @ yahoo. com

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.3.4.0]

جامعه نقش عمده‌ای ایفاکند، نحوه برخورد دینداران با تنوعات موجود در زندگی اجتماعی است. در واقع دین، هنجارها و قواعدی را برای معتقداتش تجویز می‌کند که در اعمال و رفتار آنها در مناسبات روزانه و از جمله در مدارا با کسانی که مورد قبول فرد دیندار نیستند، تاثیرگذار است(8). در جامعه ایران، مذهب با وجود فراز و نشیب‌هایی که در طول تاریخ داشته، همواره یکی از نهادهای پرنفوذ و مؤثردر عرصه زندگی اجتماعی بوده است(9). با گسترش جهان عقل محور مدرن منابع نیل به حقیقت متکثر شد، اما باتوجه به ریشه دار بودن اندیشه حقیقت مطلق، در سطح فردی نه تنها هرکس اندیشه خودرا بهترین اندیشه می‌داند بلکه حاضر به شنیدن آرا و نظرات دیگران نیست، چه رسد به اینکه آن‌ها را برخوردارازحقوق اجتماعی مساوی خود بداند(10). انسان اندیشه‌ورز در طول تاریخ به‌دنبال راهی بوده است که با وجود این همه تنوع و کثرت عقاید و آراء، انسان‌ها به‌وسیله آن به صورت مسالمت‌آمیز در کنار هم زیست کنند(11). و ضمن احترام به حقیقت موردنظر دیگران، حقیقت موردنظر خودرا هم حفظ کنند. مدارا به عنوان فضیلتی اجتماعی و اخلاقی امکان همزیستی صلح‌آمیز افرادو گروه‌هایی را فراهم می‌کندکه دیدگاه‌های متفاوتی دارند و با روش‌های متفاوت در جامعه‌ای واحد زندگی می‌کنند(12).تساهل اخلاقی[2] درمعنای غربی آن عبارت است از عدم دخالت و جلوگیری از باورها و رفتارهای اخلاقی افراد و گروه‌های مختلف و محترم دانستن این باورها و رفتارها. مبنای اصلی تساهل اخلاقی، نسبیت‌گرایی اخلاقی است(13). بنابراین تعاریف، ماهیت مدارا این است که مردم حق دارند براساس باورهایشان رفتار کنند، حتی اگر باورها و رفتارهای منبعث از آن، مورد قبول نباشد، لازمهٔ مداراجو بودن این است که پذیرفته شدن افراد بشر در نگرش، گفتار، رفتار و ارزش‌هایشان متفاوت هستند. مدارا هم در رفتار، و هم در کردار افراد، ظاهر می‌شود، بنابراین نوعی نگرش و الگویی از کنش احترام‌آمیز نسبت به افراد، گروه‌ها و عقاید و اعمال آنها و نیز موضوعاتی است که مورد تأیید و پسند فرد نیست(9). در زبان انگلیسی، کلمه مدارا[3] به‌عنوان نوعی الگوی رفتاری یا فضیلت اخلاقی[4] از تساهل ورزی به‌عنوان کنش قانونی و اجتماعی تفکیک واضح‌تری یافته است(13). با توجه به تعاریف ارائه شده از مفهوم مدارا و تقسیم‌بندی‌های ارائه شده ازاین مفهوم مسئلهٔ مدارای اجتماعی در میان زرتشتیان و مسلمانان بیشتر در ردیف مدارای هویتی و مذهبی جای دارد، زیرا مسلمانان و زرتشتیان با داشتن دین متفاوت درکنار یکدیگر در این شهر زندگی می‌کنند. در جامعه ایران اقلیت‌های دینی زیادی زندگی می‌کنند، یکی از اقلیت‌های دینی که پیروان زیادی در ایران دارد زرتشتیان می‌باشند، باتوجه به اینکه شهر یزد مرکز زرتشتیان ایران است محقق در این تحقیق درصدد بررسی مدار و اخلاق اجتماعی مسلمانان نسبت به زرتشتیان می‌باشد، یکی از مفاهیمی عمده‌ای که در مبحث مدارا مطرح است، مدارای اخلاقی است، درواقع مدارای اخلاقی[5] زیربنای مدارای اجتماعی است که دراین تحقیق برای سنجش مدارا از سه بعد مدارای اجتماعی، مدارای اخلاقی و سیاسی استفاده شده است و درصدد پاسخگویی به این سؤال می‌باشدکه میزان مدارا و اخلاق اجتماعی مسلمانان نسبت به زرتشتیان چقدر است.

ازجمله متغیرهایی که در این تحقیق سنجیده شده اند، وفاق اجتماعی[6]، مشارکت اجتماعی، رضایت از زندگی[7] و تعلق درون مذهبی[8] می‌باشد که در زیر مختصراً به آنها اشاره می‌شود. وفاق اجتماعی: نظم اجتماعی بر نوعی وفاق اجتماعی استوار است و پیوستگی‌های عاطفی و اخلاقی سازنده بنیان پیش عقلانی، وفاق اجتماعی و قواعد اجتماعی هستند. به این ترتیب میدان تعاملی که درآن احساسات مثبت افراد نسبت به یکدیگر شکل می‌گیرد، زمینه ساز تشکیل ما و همزمان با آن موجب ایجاد وفاق درافراد خواهد شد. برخی صاحبنظران احساسی راکه در میدان تعاملی به وجود می‌آید، عاطفه جمعی[9] می‌نامد(14). عاطفه جمعی ناشی از مناسک جمعی است که نوعی غرور جمعی به‌وجود می‌آورد که در آن کنشگران منافع خود و دیگران رایکی دیده و خود را متعلق به جمع و جمع را از آن خود می‌دانند. مسلمانان و زرتشتیان نیز به‌عنوان کنشگران اجتماعی که در واحدی یکسان زندگی می‌کنند به وفاق اجتماعی و پیوستگی‌های عاطفی و اخلاقی نیاز دارندکه در تحقیق به آن پرداخته شده است.

از متغیرهای دیگری که رابطه آن با مدارا و اخلاق اجتماعی سنجیده شده است، مشارکت اجتماعی[10] می‌باشد. بنیادی‌ترین اندیشه زیرساز مشارکت، پذیرش اصل برابری مردم است و هدف از آن همفکری، همکاری و تشریک مساعی افراد در جهت بهبود کمیت و کیفیت زندگی[11] در تمامی زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است(15). رضایت از زندگی نیز متغیر دیگری می‌باشد که در این تحقیق مورد بررسی قرارگرفته است، جامعه به وجود آورنده شرایطی است که می‌تواند فرد را به سوی تحقق اهداف و آرزوهای فردی سوق دهد و از سوی دیگر زمینه ساز تحقق فضایی است که فردمی تواند به کنش متقابل و ارتباط با همنوعانی که باعث ایجادآرامش، امنیت و اطمینان خاطر وی برای یک زندگی مناسب باشند، مبادرت ورزند(16). همه اقلیت‌های دینی به نوعی دارای تعلق مذهبی می‌باشند به این معناکه افراد نوعی تعهد و پایبندی به اصول اعتقادی و اخلاقی و مذهبی خود دارند، محقق دراین تحقیق رابطه این متغیربا مداراو اخلاق اجتماعی[12] را نیزسنجیده است. مدارا از جمله مفاهیمی است که درمطالعات تجربی و میدانی به ویژه دررشته جامعه شناسی کمتر مورد توجه قرارگرفته است. این کاستی در عرصه تحقیقات به‌ویژه درداخل ایران به وضوح قابل پیگیری است. با این وجود بامروری بر مقالات وکتب می‌توان برخی از مهمترین متغیرهای مرتبط با آن رایافت. در اینجا به برخی از تحقیقات داخلی و خارجی اشاره می‌شود.

برخی محققان و پژوهشگران مدارا را به معنای به رسمیت شناختن دیگری دانسته (1). محققین دیگری درمقاله‌ای به تحلیل ارتباط بین سرمایه اجتماعی[13] و انواع مدارا پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق گویای این است که بین مشارکت رسمی و غیررسمی با مدارا رابطه مثبت و معنی‌داری مشاهده شده است (17). برخی محققان در مقاله دیگری به‌گونه شناسی مدارا و سنجش آن پرداخته‌اند و براساس تقسیم‌بندی برخی محققان به بررسی سه نوع مدارای اجتماعی، سیاسی و اخلاقی رفتاری پرداخته‌اند. بدین ترتیب که با افزایش مقطع تحصیلی افراد

فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال سیزدهم، شماره 3، 1397

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.3.4.0]

میزان مدارای آنها در زمینه‌های مختلف نیز افـزایش پیـدا کـرده اسـت (18). در تحقیقی بین الادیانی با عنوان مدارا، عدم مدارا و گفتگوی بین دینی میزان مدارای پیروان چهار دین اسلام، مسیحیت، هنـدو و سـیک مورد سنجش قرار داده شده است. نتایج نشان مـی‌دهدکـه هنـدوهـا در مقایسه با پیروان سه دین دیگر نسبت به واقعیت‌های مـورد بررسـی بـا مدارای بیشتری برخورد می‌کننـد (19). همچنـین محقـق دیگـری نیـز گزارش می‌کند که تعهد مذهبی، مدارا نسبت به جنبش‌هـای مـذهبی[14] جدید را کاهش می‌دهد(20).

از جمله نظراتی که درحوزهٔ مدارا وجود دارد می‌توان به موارد زیر اشـاره کرد:

نظریه آلپورت:

فرضیه آلپورت بیان می‌کند در وضعیتی خاص، برخورد با اشخاص برون گروه، مدارا را در برابر افراد این گروه‌ها افزایش مـی‌دهـد(21). آلپـورت برای اولین بار نظریه برخورد را مطرح و به شرایط مورد نیاز برای توسعه روابط بین گروهی مثبت اشاره کرد. شرایطی که آلپورت مطرح می‌کنـد، شامل این گزینه‌هاست:

1- وابستگی متقابل همراه باهمکاری و مشارکت درکل گروه‌ها

2- جایگاه برابربین اعضای گروه اقلیت و گروه اکثریت در تعقیب اهداف مشترکشان

3- حمایت نهادها و مسئولان از روابط بین گروهی

4- ایجاد فرصت برای اعضای همه گروه‌ها تا به‌عنوان افراد، با یکدیگر کنش متقابل داشته باشند(22).

نظریه موتز:

موتزنیز مانند آلپورت نشان داده است ارائهٔ بـین فرهنگـی اندیـشه هـای مختلف، به مدارای بیشتر افـراد در کـشورها منجـر مـی‌شـود؛ مـدارای اجتماعی به ارزیابی مستقیم برخورد با افرادی ازگروه‌های دیگـر مربـوط می شود(23).

نظریه آندرو فایلا:

آندرو فایلا مدارا را نیازمند فهم پیچیده‌ای ازخود وتعهدات اخلاقـی[15] آن می‌داند. این واژه انگلیسی، به تعبیر او از واژه لاتینی tolerantia مشتق شده است که به معنای عمومی تحمل کردن و رنـج بـردن و بردبـاری است. چرا که مدارا به مثابه آرمانی اخلاقی، مستقیم به چیزهـای منفـی مربوط می‌شود. با این ریشه‌شناسی می‌توان بـه تعریفـی کلـی از مـدارا دست یافت که دربردارنده سه شرط به هم مرتبط است.

بنابراین، وقتی فرد با چیزی مدارا می‌کند:

1- قضاوت و برداشتی منفی درباره آن دارد

2- می‌تواند آن را خنثی و بی‌اثر کند

3- می‌تواند از روی عمد از خنثی‌سازی آن خودداری کند (24).

نظریه والرز:

والـزر معتقـد اسـت مـدارا حتـی در اکـراه آمیزتـرین شـکل‌هـای آن و بی‌ثبات‌ترین سـامان هـای آن نیـز بـسیار مطلـوب اسـت. وی مـدارا را همزیستی گروه‌های مختلف مردم بـا تـاریخ و فرهنـگ و هویـت‌هـای گوناگون تعریف می‌کند و در کتاب خود، در باب مدارا، ذکر می‌کنـد کـه در گفتارهای عادی، اغلب مدارا را متضمن نابرابری می‌داننـد کـه در آن گروه‌ها و افراد در مو قعیت پست‌تر محل مدارا قرار می‌گیرند(14).

با توجه به آنچه گفته شد، هدف از انجام ایـن پـژوهش بررسـی میـزان مدارا و اخلاق اجتماعی مـسلمانان نـسبت بـه زرتـشتیان در شـهر یـزد می‌باشد.

روش

تحقیق حاضر از نوع توصیفی- همبستگی و روش انجام آن پیمایش و کمی می‌باشد. ضمن اینکه بـرای تـدوین ملاحظـات نظـری و سـوابق تجربی تحقیق از روش کتابخانه‌ای (اسنادی) نیز بهره گرفته شده است. جامعه آماری شامل همه افراد 16 سال به بالای سـاکن شـهر یـزد کـه مسلمان هستند می‌باشد. نمونه تحقیق براساس فرمول کوکران 384 نفر برآورد شد. نمونه‌گیری پژوهش از نوع خوشه‌ای چنـد مرحلـه‌ای اسـت. ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه نیز در جدول 1 لحاظ گردیده اسـت. ابزار پژوهش پرسشنامه محقق ساخته بود بـود کـه اعتبـار آن بـه روش محتوایی سنجیده شد و بـرای اطمینـان از صـحت، صـراحت و اعتبـار، سوالات آن پس از آزمون مقـدماتی و رفـع اشـکال و نـواقص و حـذف تعدادی از گویه‌های نامناسب، در بین جمعیت نمونه تحقیق، شـهر یـزد تکمیل گردید، گویه‌های متغیرهای مـدارا، تعلـق درون مـذهبی، وفـاق اجتماعی، مشارکت اجتماعی و رضایت از زندگی همه خود محقق ساخته بودند و بعد از ساخته شدن و انجام پیش آزمون در یک نمونـهٔ کوچـک 30 نفری اعتبار آن‌ها از طریق آلفای کرونباخ مورد تأییـد شـد و بعـد از حذف گویه‌های نامناسب توزیع گردیدند و برای تجزیه و تحلیل داده‌هـا از نرم‌افزار spss ورژن 22 استفاده شد. میزان آلفا، بـرای متغیـر میـزان مدارا (0/896)، برای متغیر تعلـق درون مـذهبی (0/803)، بـرای متغیـر وفاق اجتماعی (0/63) ، برای متغیر مشارکت اجتماعی (0/726) و برای متغیر رضایت از زندگی (0/905) شده است. جهت اجرای تحقیق، شـهر یزد ابتدا به پنج ناحیهٔ شمال، جنوب، مرکز، شرق، غرب تقـسیم شـدو از میان این پنج منطقه پرسش نامه‌ها در این مناطق و خیابان‌های اصلی و فرعی بلوک‌بندی شدو نمونه‌گیری بامراجعه با بـه درب منـازل واقـع در کوچه‌ها و خیابان‌های فرعی انجام گرفت. بـه‌منظـور تجزیـه و تحلیـل فرضیات از آزمون همبـستگی پیرسـون، تـی تـک نمونـه‌ای و تحلیـل رگسیون استفاده شد.

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.3.4.0]

جدول 1. توزیع پاسخگویان بر حسب ویژگی‌های دموگرافیکی

متغیر		فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	160	41/7
	زن	224	58/3
سن	16-25	48	12/5
	26-35	87	22/7
	36-45	75	19/5
	46-55	95	24/7
	56-65	79	20/6
اشتغال	بیکار	84	21/9
	شاغل	197	51/3
	بازنشسته	68	17/7
	سایر	35	9/1
منزلت و طبقه شغلی	پایین	69	18
	متوسط	213	55/5
	بالا	102	26/6

یافته‌ها

بررسی میزان مدارا، وفاق و مشارکت اجتماعی ورضایت از زندگی درپاسخگویان:

طبق اطلاعات جدول 2، پاسخگویان ازنظر مدارای اجتماعی در سطح بالایی قراردارند. میانگین این متغیر 94/8 است که با اختلاف معنی داری بالاتراز سطح معیارآزمون است. (sig ≥0/05). همین‌طور در ابعاد سه‌گانه (اجتماعی، سیاسی، اخلاقی) آن نیز این اختلاف معنی دار وجود دارد. همین‌طور سطح تعلق مذهبی با میانگین 30/08، وفاق اجتماعی با میانگین 38/5، مشارکت اجتماعی با مقدار 62/5 و رضایت از زندگی با میانگین 37/5 در سطح معنی‌داری بالاتر از معیار آزمون بود. این اختلاف معنی‌داری در همه ابعاد وفاق اجتماعی مشارکت اجتماعی و رضایت از زندگی مشاهده شد. با این تفاوت که تنها در بعد عام‌گرایی وفاق اجتماعی سطح میانگین با مقدار 11/7 کمتر از معیار آزمون و حد متوسط بود که حاکی از ضعف وفاق اجتماعی مسلمانان در این بعد است.

جدول 2. میزان مدارا، وفاق و مشارکت اجتماعی و رضایت از زندگی در پاسخگویان

متغیر		حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	معیار آزمون	T	sig
مدارا	اجتماعی	10	50	33/02	4/07	30	14/5	0/00
	سیاسی	7	35	25/1	5/3	21	15/3	0/00
	اخلاقی	11	55	36/7	4/1	33	17/6	0/00
	کل	38	140	94/8	8/9	89	12/9	0/00
تعلق درون مذهبی		9	45	30/08	4/5	27	13/3	0/00
وفاق اجتماعی	عام گرایی	4	20	11/7	1/7	12	-3/2	0/001
	تعهد تعیم یافته	7	35	26/8	5/3	21	21/3	0/00
	کل	11	55	38/5	4/9	33	21/7	0/00
مشارکت اجتماعی	رسمی	8	40	25/1	4/6	24	5/05	0/00
	غیررسمی	6	30	19/7	6/4	18	5/2	0/00
	خصوصی	5	25	17/5	6/2	15	8/09	0/00
	کل	19	95	62/5	16/4	57	6/5	0/00
رضایت اززندگی	خصوصی	6	30	18/4	4/5	18	2/1	0/036
	اجتماعی	6	30	19/07	3/9	18	4/9	0/00
	کل	12	60	37/5	7/6	36	3/6	0/00

*One-Sample Test

- بررسی تفاوت مدارای اجتماعی برحسب متغیرهای جمعیت شناختی:

بین سن و جنسیت بامدارا و ابعاد سه‌گانه آن تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد(sig ≥0/05) اما نتایج آزمون‌های تفاوت در جدول 3 نشان دادکه در بعد اجتماعی مدارا، افراد بیکار با میانگین 34/3 و در بُعد سیاسی مدارا سایر وضعیت‌های شغلی (غیربیکارین، شاغلین و بازنشسته‌ها) با میانگین 27/6 درسطح معنی‌داری نمرات بالاتری کسب کرده‌اند. (sig ≤0/05) در بعد اخلاقی و مدارای کل تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. همین‌طور در بعداخلاقی نیز افراد در طبقات و منزلت بالاتر با میانگین 37/8 نسبت به طبقات متوسط و پایین‌تر از مدارای بیشتری برخوردارند و این اختلاف به لحاظ آماری معنی‌دار است. (sig ≤0/05)

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.3.4.0]

جدول 3. بررسی تفاوت مدارای اجتماعی برحسب متغیرهای دموگرافیکی

متغیرهای جمعیت شناختی	متغیر وابسته	مدارای اجتماعی			مدارای سیاسی			مدارای اخلاقی			مدارا (کل)		
		میانگین	f/t	sig	میانگین	f/t	sig	میانگین	f/t	sig	میانگین	f/t	Sig
جنسیت	مرد	32/9	0/19	0/8	24/9	0/55	0/5	36/8	0/44	0/6	94/7	0/21	0/8
	زن	33/05			25/2			36/6			94/9		
سن	16-25	33/5	2/3	0/057	25/6	0/67	0/6	36/5	0/9	0/4	95/6	1/08	0/3
	26-35	33			24/8			36/4			94/3		
	36-45	32/6			24/5			36/1			93/3		
	46-55	33/8			25/2			36/8			95/9		
	56-65	32/1			25/6			37/3			95/1		
وضعیت اشتغال	بیکار	34/3	3/9	0/009	24/2	3/4	0/01	36/6	2/06	0/1	95/2	2/4	0/06
	شاغل	32/7			25/2			36/8			94/8		
	بازنشسته	32/4			24/6			35/7			92/9		
	سایر	32/4			27/6			37/7			97/8		
منزلت و طبقه شغلی	پایین	33/6	1/3	0/2	24/2	2/05	0/1	35/9	5/6	0/004	93/8	1/9	0/1
	متوسط	33			25/1			36/3			94/5		
	بالا	32/6			25/8			37/8			96/3		

- آزمون همبستگی مدارا و ابعاد آن با متغیرهای مستقل (تعلق درون مذهبی، وفاق اجتماعی، مشارکت اجتماعی، رضایت از زندگی):

بررسی آزمون همبستگی حاکی از آن است که بین تعلق مذهبی و مدارا در سه بعد آن همبستگی مثبت و معنی داری وجود دارد.($sig \leq 0/05$) مقدار همبستگی کلی این دو متغیر 0/48 است که نشان می‌دهد با افزایش تعلق مذهبی فرد میزان مدارای وی نیز افزایش می‌یابد. وفاق اجتماعی نیز میزان مدارا را در بعد تعهد تعمیم یافته به طور معنی‌داری افزایش می‌دهد. ($sig \leq 05$ .0) مقدار این همبستگی در این بعد 0/397 است اما در بعد عام‌گرایی این همبستگی با میزان 0/11- منفی است و رابطه معکوس این بعد وفاق اجتماعی را با مدارا نشان می‌دهد. این همبستگی منفی در دو بعد اجتماعی و سیاسی نیز مشاهده می‌شود اما در بعد اخلاقی همبستگی مثبتی وجود دارد. مشارکت اجتماعی نیز همبستگی مثبت و معنی داری بامدارا دارد.($sig \leq 0/05$) میزان این همبستگی 0/251 است و در همه ابعاد بجز بعد اجتماعی مشاهده می‌شود. همبستگی این بعد تنها با بعد رسمی مشارکت با مقدار 0/117 مثبت و معنی‌دار است ($sig \leq 0/05$) اما با سایر ابعاد غیر رسمی و خصوصی مشارکت همبستگی معنی‌داری ندارد. بین مدارا با رضایت از زندگی نیز به‌طورکلی با مقدار همبستگی 0/068 رابطه معنی‌داری مشاهده نشد و رضایت از زندگی در بعد خصوصی همبستگی معنی‌داری با هیچیک از ابعاد مدارای اجتماعی، سیاسی و اخلاقی ندارد ($sig \geq 0/05$) اما همبستگی مدارای اجتماعی با رضایت اجتماعی و ابعاد آن منفی و در بعد اجتماعی رضایت با میزان 0/136- معنی‌دار است. همین‌طور مدارای سیاسی و اخلاقی با بعد اجتماعی رضایت به‌ترتیب با میزان 0/239 و 0/143 همبستگی مثبت و معنی‌داری دارند.

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-20]

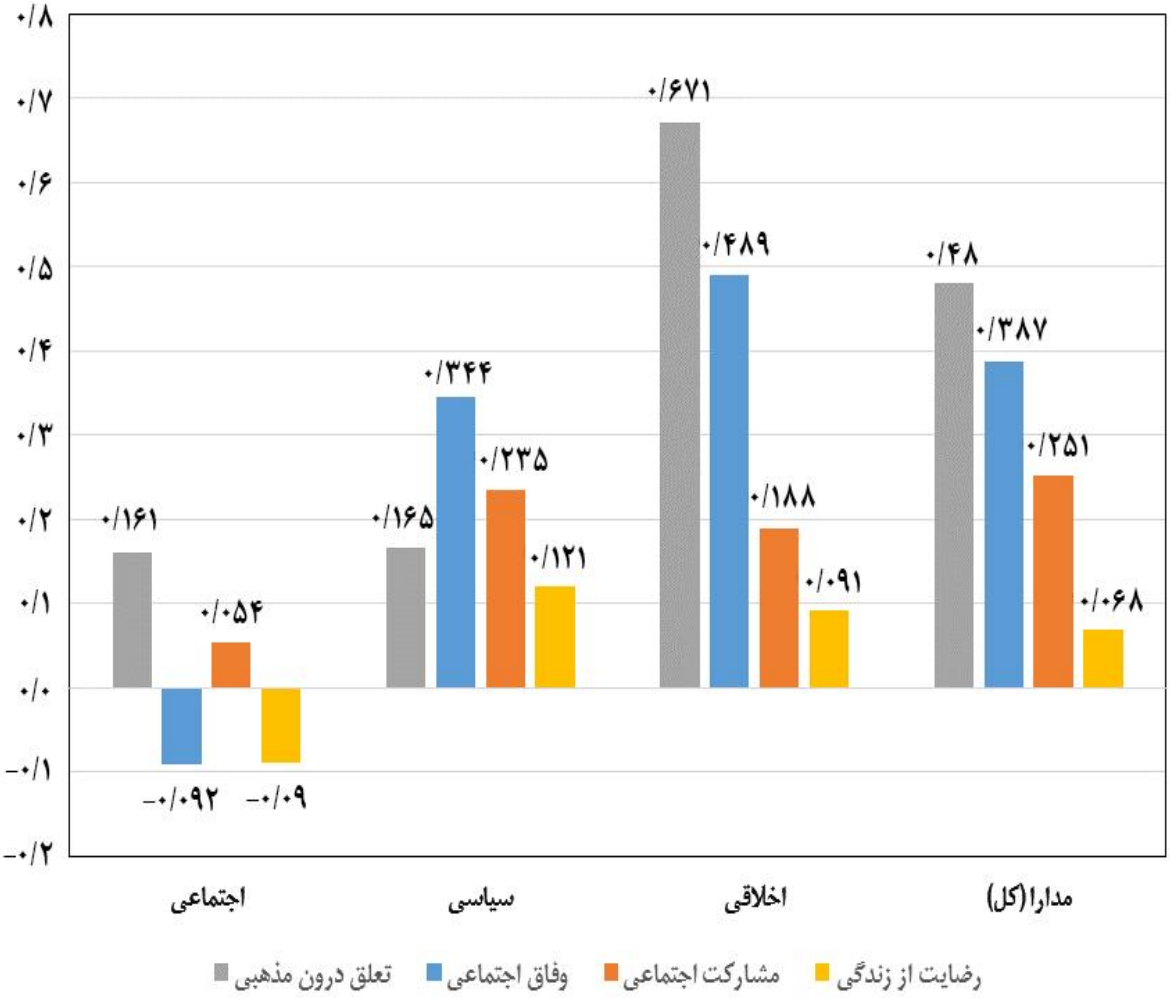
[DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.3.4.0]

مقاله پژوهشی

جدول 4. آزمون همبستگی مدارا و ابعاد آن با متغیرهای مستقل

متغیر		مدارای اجتماعی		مدارای سیاسی		مدارای اخلاقی		مدارای کل	
		*R	sig	*R	sig	*R	sig	*R	sig
تعلق درون مذهبی		0/161	0/002	0/165	0/001	0/671	0/00	0/48	0/00
وفاق اجتماعی	عام گرایی	-0/079	0/12	-0/252	0/00	0/165	0/001	-0/11	0/03
	تعهد تعمیم یافته	-0/06	0/24	0/402	0/00	0/401	0/00	0/397	0/00
	کل	-0/092	0/07	0/344	0/00	0/489	0/00	0/387	0/00
مشارکت اجتماعی	رسمی	0/117	0/022	0/112	0/02	0/123	0/01	0/176	0/001
	غیررسمی	0/037	0/46	0/214	0/00	0/159	0/002	0/218	0/00
	خصوصی	0/019	0/7	0/316	0/00	0/239	0/00	0/307	0/00
	کل	0/054	0/2	0/235	0/00	0/188	0/00	0/251	0/00
رضایت از زندگی	خصوصی	-0/051	0/3	0/002	0/9	0/034	0/5	-0/007	0/8
	اجتماعی	-0/136	0/01	0/239	0/00	0/143	0/01	0/146	0/008
	کل	-0/09	0/07	0/121	0/03	0/091	0/1	0/068	0/21

* Correlation is significant at the 0. 01 level (2-tailed).



نگارهٔ 1. میزان همبستگی مدارای اجتماعی، سیاسی و اخلاقی و کل با متغیرهای مستقل

تحلیل و پیش‌بینی تغییرات مدارای اجتماعی توسط رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام انجام شد. همان‌طور که در جدول 5 مشاهده می‌شود از مجموع متغیرهای وارد شده به معادله رگرسیونی به‌ترتیب تأثیر پنج متغیر تعلق درون مذهبی با ضریب بتای 0/23، تعهد تعمیم

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-20]

فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال سیزدهم، شماره 3، 1397

[DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.3.4.0]

یافته با ضریب بتای 0/16 مشارکت خصوصی با ضریب بتای 1/01، رضایت از زندگی در بعد خصوصی با ضریب 1/3 و مشارکت رسمی با ضریب 0/5 در مدل باقی ماندند. ضریب همبستگی این متغیرها با مدارای اجتماعی برابر با R=0/625 و ضریب تعیین برابر با 0/46 و ضریب تعیین تعدیل شده برابر با 0/45 به‌دست آمده که این ضرایب بیانگر آنست که حدود 45 درصد از واریانس متغیر وابسته در معادله رگرسیونی توسط این متغیرها تبیین می‌شود. همچنین مقدار آزمون F نیز برای تبیین معنی‌داری اثر متغیرهای مستقل بر میزان مدارای اجتماعی برابر 55/4 با سطح معناداری 0/00 به‌دست آمد که نشان می‌دهد مدل رگرسیونی تبیین شده، طبق آزمون تحلیل واریانس انجام شده، خطی و معنادار است.

جدول 5. نتیجه رگرسیون چند متغیره جهت تعیین عوامل تبیین کننده میزان مدارای اجتماعی کلی

متغیرهای مستقل	ضرایب خام		ضرایب استاندارد شده	t	sig	Collinearity Statistics	
	B	Std. Error	Beta			Tolerance	VIF
(Constant)	84/09	3/5	-	23/4	0/00	-	-
تعلق درون مذهبی	0/46	0/09	0/23	4/7	0/00	0/69	1/4
تعهد تعمیم یافته	-0/26	0/09	-0/16	-2/7	0/00	0/49	2
مشارکت خصوصی	1/4	0/14	1/01	10/1	0/00	0/16	5/9
رضایت خصوصی	-2/6	0/25	-1/3	-10/5	0/00	0/10	9/7
مشارکت رسمی	1/09	0/17	0/5	6/4	0/00	0/21	4/7
تعداد متغیرهای واردشده	R	R Square	Adjusted R Square	F	sig	Durbin-Watson	
9	0/682	0/46	0/45	55/4	0/00	1/5	

بحث

پاسخگویان از نظر مدارا در سطح بالایی قرار دارند که در همه ابعاد سه‌گانه (اجتماعی، اخلاقی، سیاسی) این اختلاف معنی‌دار است، این نشان‌دهنده این است که مسلمانان در شهر یزد نسبت به زرتشتیان رفتاری مسالمت‌آمیز دارند و در روابط خود مدارا و اخلاق اجتماعی را رعایت می‌کنند، طبق دیدگاه برخی صاحب‌نظران (24) مدارا نیازمند تعهدات اخلاقی است، که به‌معنای فضیلت و ویژگی اعمال بردبارانه است. دیدگاه برخی صاحب‌نظران (13) نیز تاییدکنندهٔ این نتیجه می‌باشد، وی مدارا را همزیستی گروه‌های مختلف مردم با تاریخ و فرهنگ و هویت‌های گوناگون تعریف می‌کند، در واقع مسلمانان با زرتشتیان که از فرهنگ و دینی متفاوت هستند مدارا و همزیستی دارندکه با نتایج تحقیق دومینیک همسو می‌باشد.

بین سن و جنسیت با مدارا و ابعاد سه‌گانه آن تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد همین‌طور در بعداخلاقی نیز افراد در طبقات و منزلت بالاتر نسبت به طبقات متوسط و پایین‌تر از مدارای بیشتری برخوردارند و این اختلاف به لحاظ آماری معنی‌دار است. درواقع می‌توان گفت زمانی که فرد منزلت بالاتری دارد برای اینکه این منزلت را حفظ کند و موقعیت خود را ازدست ندهد نیازمند این است که با همه افراد رفتاری مسالمت‌آمیز داشته باشد و مدارا و اخلاق اجتماعی را رعایت کند، نظریه فایلا مؤید این امر هست (24). افراد در روابط و برخورد خود با دیگران نیازمند تعهدات اخلاقی هستند. بین وفاق اجتماعی و مدارا در بعد اخلاقی همبستگی مثبتی مشاهده شد، به این معنی که هرچه فرد بیشتر اهل وفاق اجتماعی باشد میزان مدارای اخلاقی وی نیز در برخورد با دیگر اقلیت‌های دینی بیشتر می‌شود، بین مدارای اخلاقی و مشارکت اجتماعی نیز همبستگی مثبت و معناداری مشاهده شد، هرچه افراد مشارکت اجتماعی بیشتری داشته باشند و در مسائل مختلف اجتماعی با دیگران مشارکت و همکاری داشته باشند میزان مدارای اخلاقی آنان نیز بیشتر میشود، بین تعلق مذهبی و مدارا در سه بعد آن همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود، تحقیقات همسو مرتبط با این نتیجه یافت نشد، با توجه به حساسیت موضوع و تعصبات مذهبی افراد پیشنهاداتی مطرح میشود. برای اتکا به نتایج این پژوهش لازم است این پژوهش درمورد اقلیت‌های مذهبی دیگر نیز انجام گردد. همچنین این پژوهش را با متغیرهای کیفی نیز باید انجام داد تا به نتایج بهتری دست یافت. علاوه براین لازم است تحقیق و مقایسه تطبیقی نیز در این زمینه صورت بگیرد و متقابلا میزان مدارا و اخلاق اجتماعی زرتشتیان به مسلمانان نیز سنجیده شود و مقایسه گردد. بر سر راه هرتحقیق و پژوهش علمی مشکلاتی وجود دارد که تا حدی ممکن است محقق را در تگنا قرار دهد، در واقع محدودیت‌ها آن دسته از عواملی هستند که در مسیر جمع آوری اطلاعات و کسب نتایج مطلوب مانع ایجاد می‌کند، از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر عدم تمایل برخی افراد به دلیل تعصبات مذهبی جهت پاسخگویی به سؤالات پرسشنامه بود.

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.3.4.0]

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی میزان مدارا و اخلاق اجتماعی مسلمانان در شهر یزدکه اکثریت را تشکیل می‌دهند با زرتشتیان که از اقلیت می‌باشند در سطح بالایی قرار دارد و افراد از زندگی در کنار هم مشکلی ندارند و روابطی مسالمت‌آمیز با یکدیگر دارند، این مسئله حائز اهمیت هست که افراد در عرصه اجتماع به عقاید یکدیگر احترام بگذارند و همه خود را همنوع بدانند و اختلاف مذهبی را مسأله‌ای برای درگیری و شورش ندانند، همان‌طورکه قبلاً ذکر گردید نتایج تحقیق حاکی از مدارا و روابط مسالمت‌آمیز بین مسلمانان و زرتشتیان در شهر یزد می‌باشد. رفتار مسالمت‌آمیز زیربنای انسجام اجتماعی می‌باشد، زمانی که پیوستگی‌های عاطفی و اخلاقی بین افراد و گروه‌ها شکل بگیرد، عاطفه جمعی نیز زیاد می‌شود و نوعی غرور جمعی به‌وجود می‌آید که در آن افراد از هر گروه و مذهبی که باشند منافع خود و دیگران را یکی دیده و خود را متعلق به جمع می‌دانند. وجود مدارا و اخلاق اجتماعی موجب افزایش همبستگی و اتحاد بین مسلمانان و زرتشتیان می‌شود که در پی آن تساهل اخلاقی و رفتار مسالمت‌آمیز بین افراد شکل می‌گیرد.

ملاحظه‌های اخلاقی

در مقاله حاضر، با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاقی امانت‌داری علمی رعایت و حق معنوی مؤلفین آثار محترم شمرده شده است. همچنین محقق تمام توان خودرا به‌کار گرفت تا وظایف اخلاقی خود را در برابر مشارکت کنندگان نیز انجام دهد.

سپاسگزاری

نویسندگان این مقاله از تمامی پاسخگویانی که با تکمیل پرسشنامه، اجراکنندگان این تحقیق را یاری کردند، کمال امتنان و تشکر را دارند.

واژه‌نامه

1. Social ethics	اخلاق اجتماعی
2. Moral tolerance	تساهل اخلاقی
3. Tolerant	مدارا
4. Moral virtue	فضیلت اخلاقی
5. Moral tolerance	مدارای اخلاقی
6. Social cohesion	وفاق اجتماعی
7. Life satisfaction	رضایت از زندگی
8. Religious affiliation	تعلق مذهبی
9. Collective affection	عاطفه جمعی
10. Social participation	مشارکت اجتماعی
11. Quality of life	کیفیت زندگی
12. Social tolerance	مدارای اجتماعی
13. Social capital	سرمایهٔ اجتماعی
14. Religious movement	جنبش‌های مذهبی
15. Ethical obligation	تعهدات اخلاقی

References

1. Afrasiabi H, Jahangiri J. (2011). The families of the city in terms of causes and consequences Toleration. Journal of Applied Sociology; 22 (3) 153-175. (In Persian).
2. Jandron S. (2000). Tolerance history of Ideas West. Translated by: Bagheri A. (2003). Tehran: Ney Publication. p. 295. (In Persian).
3. Gholaminiya A. (2010). The effect of man, s self-knowledge on citizen ship ethic. Religion Anthropology; (21, 22):161-171. (In Persian).
4. Etemadi H, Sepasi S, Boshagh M. (2016). Business ethics, social responsibility and corporate performance. Ethics in Science and Technology; 11 (3): 107-115. (In Persian).
5. Jafari T, Hasangholipur T, Alaei H. (2016). Ethical leadership on project-based environment. Ethics in Science and Technology; 11 (3):116-124. (In Persian).
6. Abedi Sarvestani A. (2016). Moral idealism and attitude to animal. Ethics in Science and Technology; 11 (3): 21-28. (In Persian).
7. Khodamoradi E, Hajiha Z. (2016). The role of ethical culture in organizational performance. Ethics in Science and Technology; 11 (3):125-130. (In Persian).
8. Gurdun A. (2001). Religion and prejudice. Translated by: Shahrokni N. (2003). Tehran: Kian Publication. Pp. 59-65. (In Persian).
9. Serajzade H, Shariati S, Saber S. (2005). Investigate the relationship between the religion and its social tolerance. Journal of Social Sciences; (4) 109-142. (In Persian).
10. Bahmanpur S. (2000). Social tolerance, respect of cultural syndrome. [MSC thesis]. Tehran: University of Shahid Beheshti. (In Persian).
11. Afshani A. (2003). Examine how political tolerance in student organizations. [MSC thesis]. Tehran: University of Alame Tabatabaei. (In Persian).
12. Galeotti AE. (2001). Do we need toleration as a moral virtue? Res Public; (6): 273-292.
13. Valers M. (2005). tolerance. Translated by: Najafi S. (2006). Tehran: Shiraze. p. 232. (In Persian).
14. Chalapi M. (1994). Social cohesion. Journal of Social Science; 3 (6) :15-28. (In Persian).
15. Noruzi F, Bakhtiari M. (2010). Social participation and factors affecting it. Journal of Strategy; 18 (53): 249-269. (In Persian).
16. Hezarjaribi J, Safarishali R. (2010). Study of life satisfaction and sense of security in its place. Journal of Social Regulation; 1 (3) :7-28. (In Persian).
17. Sharepur M, Azadarmaki T, Asgari A. (2010). Explore the relationship between social capital and tolerance among students. Journal of the Iranian Sociological; 10 (1) 64-98. (In Persian).
18. Asgari A, Sharepur M. (2010). Typology and measurement tolerance among students of school of social sciences of Tehran University and

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.3.4.0]

Allameh Tabatabaei. Journal of Cultural Research; 2 (8) 1-34. (In Persian).
19. Diominic, E. (1993): Tolerance, intolerance& inter-religious dialogue. Inter-Religious Dialogue; (23):15-29.
20. Odonnel JP. (1993). Predicting tolerance of new religious movements: A multivariate analysis, Journal for the Scientific Study of Religion; 23 (4): 356-65.
21. Quintelier E. (2008). Does european citizenship increase tolerance in young people? European Union Politics; 9 (3): 339-362.
22. Adibi M, Rastegar Y, Beheshti S. (2013). Of social tolerance. Journal of Social Welfare; (50) 353-376. (In Persian).
23. Mutz D. (2002). Cross-cutting social networks: Testing democratic theory in practice. American Political Science Review; 96 (1) :111-26
24. Fiala A. (2005). Tolerance and the ethical life. London: Continuum Publication.

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.3.4.0]